

تحلیل سیاسی هفته (۴) انتخابات پارلمانی و زلزله سیاسی در انگلستان

نام دفتر: مطالعات سیاسی

شماره مسلسل: ۲۶۰۱۰۲۱۹

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۲/۲۵

از چندی پیش و با نزدیک شدن موعد برگزاری انتخابات پارلمانی در انگلستان نشانه‌های قوی و قاطعی درخصوص شکست حزب حاکم کارگر به چشم می‌خورد. این امر بیش از هر چیز به افزایش نارضایتی عمومی نسبت به عملکرد دولت «گوردن براون» (هم در صحنه داخلی و هم در عرصه خارجی) نسبت داده می‌شود. نهایتاً با برگزاری انتخابات و اعلام نتایج، پیش‌بینی‌ها به واقعیت پیوست و این حزب موفق به کسب اکثریت مورد نیاز برای تشکیل کابینه نشد و در به‌دست آوردن کرسی‌های پارلمان نیز پس از حزب محافظه‌کار در رده دوم قرار گرفت.

مطابق با نتایج نهایی شمارش آرای انتخابات در انگلیس، حزب محافظه‌کاران موفق به کسب ۲۰۶ کرسی، حزب کارگر ۲۵۸ کرسی و حزب لیبرال دمکرات‌ها موفق به کسب ۵۷ کرسی از مجموع ۶۵۰ کرسی شدند. نخستین پیام و پیامد این نتایج، قطعی بودن تشکیل دولت ائتلافی در انگلستان است چرا که هیچ یک از احزاب موفق به کسب حداقل کرسی‌های لازم برای تشکیل دولت مستقل نشده‌اند. مطابق با قانون برای حکمرانی بر مجلس عوام و تشکیل دولت، حزب پیروز باید حداقل ۲۲۶ کرسی را به‌دست آورد و این درحالی است که هیچ یک از احزاب حاضر در انتخابات به چنین موفقیتی دست نیافته‌اند. از این‌رو دولت آتی انگلستان دولتی ائتلافی خواهد بود و بر همین اساس رایزنی میان احزاب برای ائتلاف آغاز شده است.

نکته مهم دیگر قابل استنتاج از نتایج انتخابات انگلیس همان چیزی است که برخی کارشناسان و تحلیلگران از آن به‌عنوان «زلزله سیاسی» در این کشور یاد کرده‌اند. این تحول در طول ۲۶ سال گذشته بی‌سابقه بوده است، چه اینکه در سه دهه گذشته قدرت در انگلستان در جابجایی مستمر میان دو حزب محافظه‌کار و کارگر بوده است و هر یک از این دو حزب در مقطعی با کسب اکثریت کرسی‌ها و بدون ائتلاف با دیگری اقدام به تشکیل دولت کرده و قدرت را در دست گرفته است. اکنون پس از مدت‌ها این نخستین باری است که حزبی موفق به کسب اکثریت کرسی‌ها نشده و ناگزیر به ائتلاف با گروه‌های دیگر برای تشکیل دولت است. از این جهت انتخابات اخیر به پایان عصر دیکتاتوری این دو حزب در انگلستان تشبیه شده است. در نتیجه نقش حزبی چون حزب «لیبرال دمکرات‌ها» که تنها ۵۷ کرسی را به‌خود اختصاص داده است از اهمیت زیادی برخوردار شده است و به همین دلیل است که محافظه‌کاران با وجود کسب کرسی‌های بیشتر نسبت به سایر احزاب ناگزیر از مذاکره با این حزب جهت تشکیل دولت شده‌اند.

در عین حال نتایج انتخابات اخیر شکست فاحشی برای حزب کارگر (حزب حاکم) و رئیس آن (گوردون براون) نیز محسوب می‌شود. به‌ویژه آنکه حزب لیبرال دمکرات در حال بررسی امکان ائتلاف با حزب محافظه‌کار جهت تشکیل دولت است.

از نظر قانونی، گوردون براون حق تشکیل دولت را دارد، هر چند که ۵۰ رأی کمتر از حزب محافظه‌کار به‌دست آورده است، اما او برای تشکیل این دولت نیاز به ائتلاف با حزب لیبرال دمکرات، حزب ملی اسکاتلند و حزب شین‌فین ایرلند شمالی دارد، مأموریتی که موفقیت آن را تقریباً غیرممکن می‌کند. حزب کارگر درواقع تاوان سیاست‌های اشتباهش را به‌دلیل همکاری در جنگ‌های آمریکا در عراق و افغانستان و پایبندی به روابط ویژه با آمریکا، عدم پیوستن به نظام واحد پولی اروپا (یورو) و عدم پیوستن کلی به اتحادیه اروپا پس می‌دهد.

سیاست‌های براون حجم مخالفت‌ها نسبت به حزب کارگر را افزایش داد و همین مسئله شکست این حزب در انتخابات را در پی داشت. سابقه افول و جاهت سیاسی این حزب نزد انگلیسی‌ها البته به دوره نخست‌وزیری تونی بلر، سلف گوردون براون بازمی‌گردد و این زمانی بود که بلر با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی در سیاست بین‌الملل و تبدیل انگلستان به تابع محض آمریکا به‌ویژه در جریان حمله به عراق ضربه‌ای اساسی به موقعیت این حزب وارد ساخت. اختلافات درون‌حزبی به کناره‌گیری برخی اعضای وقت کابینه و نهایتاً کنار رفتن بلر از رهبری حزب کارگر و پست نخست‌وزیری منجر شد. گوردون براون به‌عنوان رهبر جدید حزب در پیگیری سیاست‌هایی که به توقف این روند بیانجامد ناکام بود. این امر تضعیف موقعیت سیاسی وی را در پی داشت. به نوشته هفته‌نامه «ساندی تایمز» نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ۶۲ درصد از شرکت‌کنندگان در انتخابات اخیر خواستار برکناری براون از پست نخست‌وزیری هستند.

نتایج انتخابات پارلمانی انگلستان و صف‌آرایی جدید سیاسی در این کشور سرآغاز برخی تغییرات و تحولات در سیاست‌های داخلی و خارجی لندن خواهد بود. به‌لحاظ داخلی احتمال اصلاح نظام انتخاباتی این کشور بر اثر تحولات اخیر افزایش یافته است. از نظر کارشناسان استیلای مطلق دو حزب کارگر و محافظه‌کار در ساختار قدرت در انگلستان بیش از هر چیز معلول نظام انتخاباتی قدیمی انگلیس است که با وجود تغییرات گسترده در نقشه جمعیتی و سیاسی این کشور و کاهش نفوذ آن در عرصه بین‌المللی، هنوز اصلاح نشده است.

منتقدین معتقدند که نظام انتخاباتی کنونی انگلستان ناعادلانه است. از نظر آنها احزاب کوچکتر در این نظام قربانی می‌شوند به نحوی که تعداد کرسی‌هایی که آنها در مجلس عوام به دست می‌آورند متناسب با درصد آرای که از مردم کسب کرده‌اند نیست. از نظر منتقدین سهمی که احزاب از کرسی‌های پارلمان به دست می‌آورند باید بازتابی از درصد آرای ملی باشد که آنها در انتخابات کسب می‌کنند. در حالی که چنین نسبتی در حال حاضر وجود ندارد و همین مسئله مهمترین شاخص برای ناعادلانه بودن انتخابات در انگلستان است. به عنوان مثال در انتخابات اخیر، محافظه‌کاران تنها ۳۶ درصد از آرا را به دست آوردند حال آنکه صاحب ۳۰۶ کرسی از مجموع ۶۵۰ کرسی در مجلس عوام شدند. اگر سیستم کنونی به نظام انتخاباتی نسبی تغییر یابد محافظه‌کاران تنها ۲۳۴ کرسی را صاحب خواهند شد. لیبرال دمکرات‌ها نیز ۲۳ درصد از آرا را به دست آورده‌اند و باید صاحب ۱۵۰ کرسی باشند، اما تنها ۵۷ کرسی را به دست آورده‌اند. از سوی دیگر لیبرال دمکرات‌ها با به دست آوردن حدود ۶ میلیون رأی صاحب این ۵۷ کرسی شده‌اند حال آنکه حزب کارگر تنها با دو میلیون رأی بیشتر نسبت به آنها (هشت میلیون) ۲۵۸ کرسی در مجلس عوام به دست آورده است. این امر تبعیض‌آمیز بودن نظام انتخاباتی انگلستان را به نمایش می‌گذارد.

به نظر می‌رسد زمان اصلاح این نظام چه به صورت کلی و چه جزئی و تبدیل آن به نظام انتخاباتی نسبی، با پیروزی لیبرال دمکرات‌ها در پارلمان نزدیک شده است. این گروه زمینه را برای تحمیل شرط‌هایش در این خصوص فراهم کرده است، زیرا تشکیل دولت جدید انگلیس بدون توافق و ائتلاف با این حزب امکانپذیر نیست و دولتی که بدون توافق با لیبرال دمکرات‌ها تشکیل شود، مسلماً رأی اعتماد پارلمان را به دست نخواهد آورد.

فارغ از مسائل داخلی، سیاست‌های حزب کارگر در حوزه سیاست خارجی چه در دوره بلر و چه در دوره براون از همراهی شدید لندن با ملاحظات افراطی آمریکا در نظام بین‌الملل و به‌ویژه در منطقه خاورمیانه حکایت داشته است. همراهی انگلستان با آمریکا در حمله نظامی به عراق و افغانستان و درگیر شدن در مشکلات این کشورها چهره یک بازیگر وابسته و غیرمستقل را از انگلستان در عرصه روابط بین‌الملل به نمایش گذاشته بود و همین مسئله حجم نارضایتی‌ها از سیاستمداران انگلستان را افزایش می‌داد. از این رو برخی کارشناسان امیدوارند که پیام قوی ناشی از نتایج انتخابات پارلمانی اخیر، برخی مواضع لندن در زمینه تبعیت محض از ملاحظات فرامرزی آمریکا را اصلاح کند. همچنین برخی پیش‌بینی‌ها در مورد احتمال بروز تغییراتی در سیاست خاورمیانه‌ای انگلستان ارائه شده است. به‌ویژه احتمال این تغییر در صورتی که «نیک کَلگ»، رهبر حزب لیبرال دمکرات، عهده‌دار پست وزیر امور خارجه در هر دولت ائتلافی جدید باشد افزایش می‌یابد، زیرا او پیش از این به دلیل مخالفت با جنگ اسرائیل علیه غزه و انتقادهای شدید از سیاست شهرک‌سازی‌های اسرائیل در کرانه باختری، مورد انتقادهای شدید اقلیت یهودی در انگلیس قرار گرفته بود و این موضوع می‌تواند این پیش‌بینی را تأیید کند. به‌طور کلی ورود لیبرال دمکرات‌ها به ساختار قدرت در انگلستان نگرانی‌های مهمی را برای رژیم صهیونیستی ایجاد کرده است. حزب لیبرال دمکرات تبدیل به یک بازیگر مهم در عرصه سیاست انگلیس شده به نحوی که احزاب محافظه‌کار و کارگر این کشور امیدوارند بتوانند از طریق ائتلاف با این حزب دولت آتی انگلیس را شکل بدهند. برخی اعضای این حزب پیش‌تر مواضع قابل توجهی در رد سیاست‌های اسرائیل اتخاذ کرده بودند. از جمله «جنی تانگ» از اعضای این حزب و از نمایندگان سابق مجلس عوام است که خواستار اعمال تحریم علیه رژیم اسرائیل و انجام تحقیقات گسترده درباره اتهامات وارده بر تل‌آویو درباره قاچاق اعضای بدن کشته‌شدگان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه شده بود.

پیگیری‌های لیبرال دمکرات‌ها در زمینه اصلاح نظام انتخاباتی انگلستان نیز می‌تواند در آینده تأثیر مهمی بر سیاست خارجی انگلستان بر جای گذارد. زیرا اصلاح قانون انتخابات و تبدیل آن به نظام نسبی، موجب می‌شود که یک‌ونیم میلیون مسلمان و عرب انگلیسی در هر یک از انتخابات آتی وزنه بیشتری یابند. در انتخابات آتی نامزدها از احزاب مختلف برای کسب آرای مسلمانان و اعراب با یکدیگر رقابت می‌کنند، همان‌طور که در گذشته برای آرای اقلیت یهودی انگلیس رقابت می‌کردند. و این مسئله تأثیرات خود را بر سیاست خارجی لندن نیز بر جای خواهد گذارد.

با این حال به نظر می‌رسد که افزایش مشکلات داخلی انگلستان در دوره حاکمیت حزب کارگر به‌طور اجتناب‌ناپذیری تمرکز دولت آتی انگلستان را از مسائل خارجی به سمت مسائل داخلی تغییر داده و مباحث فرامرزی را در اولویت پایین‌تری نسبت به موضوعات داخلی قرار دهد.